

The Quality of the Weapons of Imam Mahdi (AS) in Confronting the Weapons of the Enemies in the Age of Advent: Analysis of Narrations¹

Mohammad Hoseyn Ghanbari Gol^{*} Ibrahim Ibrahimi^{**}

Mansur Pahlewan Mohammad Ali^{***} Ali Hasan Bagi^{****}

(Received on: 2020-07-16; Accepted on: 2020-12-26)

Abstract

Considering the equipping of the enemies of Islam with modern and dreadful weapons in recent centuries, the issue of the weapon of Imam Mahdi (AS) at the time of his advent and the quality of his confrontation with the weapons of the enemies is of special importance. Despite the answers given in the form of books, articles, etc., they are still ambiguous and not fully convincing. Criticizing most of the existing views in this regard, the present article, using the descriptive-analytical method, answers the above basic question based on narrative analysis, and proves that Imam Mahdi (AS) in addition to using the weapons that he has as the legacy of prophethood and guardianship, as well as benefiting from the divine help, he will also use powerful and modern weapons and equipment, which are prepared by his Shiites before his advent, in order to confront the weapons of the enemies.

Keywords: Weapon, Imam Mahdi (AS), Advent, Kyrgyzstan, Red Death, White Death, Massacre.

1. This article is taken from: Mohammad Hoseyn Ghanbari Gol, "A Study of the Factors and Process of the Victory of Imam Mahdi's (AS) Uprising in the Light of the Analysis of Narrations", 2022, PhD Thesis, Supervisor: Ibrahim Ibrahimi, Faculty of Humanities, University of Arak, Arak, Iran.

* Student of Quran and Hadith Sciences, University of Arak, Arak, Iran (Corresponding Author), mghanbarigol@yahoo.com.

** Full Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, Ebrahimi 978@atu.ac.ir.

*** Professor, Department of Quran and Hadith, University of Tehran, Tehran, Iran, pahlewan@ut.ac.ir.

**** Associate Professor, Department of Theology, University of Arak, Arak, Iran, ahasanbagi@araku.ac.ir.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۷۳-۹۶

کیفیت سلاح امام عصر علیه السلام در مقابله با سلاح دشمنان در عصر ظهور: تحلیل روایات^۱

محمدحسین قنبری گل* ابراهیم ابراهیمی**

منصور پهلوان محمدعلی*** علی حسن‌بگی****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶]

چکیده

موضوع سلاح امام عصر علیه السلام در زمان ظهور و کیفیت مقابله با سلاح دشمنان، خصوصاً با عنایت به تجهیز دشمنان اسلام به سلاح‌های مدرن و مخوف در قرون اخیر، اهمیتی ویژه پیدا کرده و علی‌رغم پاسخ‌هایی که در قالب کتاب‌ها و مقالات متعدد و ... داده شده، همچنان ابهاماتی دارد و از اقعان‌کنندگی تام برخوردار نیست. این مقاله با نقد بیشتر دیدگاه‌های موجود در این زمینه، پرسش اساسی فوق را بر اساس تحلیل روایی و با تکیه بر روش تحقیق توصیفی تحلیلی، پاسخ می‌دهد و اثبات می‌کند که امام عصر علیه السلام علاوه بر سلاح‌هایی که به عنوان میراث نبوت و ولایت به همراه خود دارد و نیز علاوه بر بهره‌مندی از نصرت الاهی، از سلاح‌ها و تجهیزات قدرتمند و مدرن هم، که همان سلاح‌های شیعیان او است و قبل از ظهور برای ایشان آماده شده است، به منظور مقابله با سلاح دشمنان بهره خواهد برد.

کلیدواژه‌ها: سلاح، امام عصر علیه السلام، ظهور، قرقیسیاء (قرقیسا)، مرگ سرخ، مرگ سفید، کشتار جمعی.

۱. برگرفته از: محمدحسین قنبری گل، واکاوی عوامل و فرآیند پیروزی قیام امام عصر (عج) در پرتو تحلیل روایات، رساله دکتری، استاد راهنما: ابراهیم ابراهیمی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، ۱۴۰۰.
* دانشجوی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول) mghanbarigol@yahoo.com
** استاد تمام علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران Ebrahim978@atu.ac.ir
*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران pahlevan@ut.ac.ir
**** دانشیار گروه الاهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران a-hasanbagi@araku.ac.ir

مقدمه

از آنجا که قیام امام عصر علیه السلام قیامی مسلحانه و توأم با درگیری نظامی با دشمنان است (نک: ابن بابویه، ۱۳۵۹: ۱۸/۱) و از طرفی وعده پیروزی امام علیه السلام در نبرد با دشمنان نیز بر اساس تأویل و بطون بسیاری از آیات وعده‌ای الهی و قطعی است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵). موضوع سلاح امام عصر علیه السلام و متقابلاً سلاح دشمنان آن حضرت، به دلیل اهمیت آن برای مسلمانان، به ویژه شیعیان و منتظران ظهور، و تأثیر آن در تمهید مقدمات وقوع نهضت جهانی «امام» علیه السلام، جایگاهی ویژه در پژوهش‌های مرتبط با مهدویت یافته و پژوهشگر این عرصه را ناگزیر از پاسخ به این دو پرسش اساسی می‌کند که: کم و کیف سلاح امام عصر علیه السلام در زمام ظهور و قیام، و متقابلاً سلاح دشمنان ایشان، چگونه خواهد بود؟ امام علیه السلام چگونه با سلاح‌های دشمنان مقابله خواهد کرد؟ سلاح‌هایی که اگر تا عصر ظهور، مدرن‌تر نشوند، با همین قدرت مخرب فعلی نیز معضلی است که نمی‌توان ساده‌اش انگاشت و با پاسخ‌هایی اجمالی و کلی از کنار آن گذشت.

با عنایت به ظهور سلاح‌های مدرن و مخرب در قرون اخیر و نبود چنین سلاح‌هایی در قرون قبل از آن، معمولاً تصویری که گذشتگان از امت اسلامی، از سلاح امام عصر علیه السلام داشته‌اند، همان سلاح‌های متعارف و رایج روزگار خود، از قبیل شمشیر، نیزه و ... بوده، و در نتیجه و به طور طبیعی، کیفیت سلاح امام عصر علیه السلام و قدرت مقابله سلاحش با سلاح دشمنان نیز، چندان محل توجه نبوده است، چراکه به نحو معمول، دشمنان آن حضرت نیز، بیش و کم، سلاحشان همان سلاح‌های متعارف آن زمان بوده است. چنانچه یاقوت حموی در معجم البلدان از برخی اهالی و دهاقین شهر کاشان در قرن هفتم یاد می‌کند که هر روز صبح به امید ظهور قائم علیه السلام شمشیر برمی‌گرفتند و بر مرکب‌هایشان سوار می‌شدند و از روستاهایشان بیرون می‌آمدند و به استقبال امامشان منتظر می‌ماندند و سپس دوباره به روستاهای خود بازمی‌گشتند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۹۶/۴). بنابراین، صرف نظر از صحت و سقم چنین داستانی، آنچه در ذهن مردم آن زمان، از سلاح و تجهیزات امام علیه السلام و یارانش وجود داشته، همان شمشیر و اسب و ... بوده است.

ظهور سلاح‌های مدرن، به ویژه سلاح‌های کشتار جمعی، در قرون اخیر مسئله سلاح امام عصر علیه السلام را در ذهن‌ها برجسته کرده و تناسب سلاح آن حضرت با سلاح‌های فوق را در معرض پرسش قرار داده است. با بررسی دقیق از کلیه مقالات و آثاری که به موضوع سلاح امام عصر علیه السلام ورود و اظهار نظر کرده‌اند، مشخص شد که گرچه بسیاری از نویسندگان امکان استفاده امام علیه السلام از

سلاح‌های روز زمان ظهور را محتمل و حتی لازم دانسته‌اند و نیز علی‌رغم اینکه دیدگاه‌های خود را به استدلال‌های عقلی و اشارات و لطایف برخی روایات مرتبط، مستظهر کرده‌اند، اما از استدلالی که مقدمه‌اش لازمی از لوازم روایتی صریح درباره کیفیت و قدرت سلاح امام علیه السلام و دشمنان آن حضرت باشد، استفاده نکرده‌اند. واضح است که در موضوعی همچون «امام عصر علیه السلام و سلاح آن حضرت»، که موضوعی درون دینی و برگرفته از روایات اسلامی است، استدلالی که مقدماتش بر اساس مضامین و لوازم روایتی معتبر تنظیم شود، از استدلالی که بدون رجوع به آیه یا روایت، تکیه بر مقدماتی صرفاً عقلی داشته باشد، مطلوب‌تر است و بیشتر از دلایل غیرنقلی، در دل پژوهشگر ایجاد یقین می‌کند. این مقاله استدلالی از نوع دوم است و مقدماتش، لازمی از لوازم روایات.

دیدگاه‌های موجود درباره سلاح امام عصر علیه السلام در دو دسته کلی می‌گنجد:

۱. کسانی که سلاح امام عصر علیه السلام را همان شمشیر می‌دانند و از تأویل آن و کنایه دانستن لفظش ابا دارند و پیروزی بر دشمنان را نیز با تکیه بر همان شمشیر، محقق می‌دانند و در توجیه نحوه تحقق آن پیروزی با آن سلاح نیز مبحثی مبسوط می‌گسترانند (نک: میراحمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

۲. کسانی که سلاح امام عصر علیه السلام را سلاح‌های روز زمان ظهور می‌دانند و شمشیر را نماد قیام مسلحانه و کنایه از آن دانسته‌اند (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۰۹) یا به دلیل آنکه شمشیر امام علیه السلام یکی از چندین میراث نبوت و امامت است که دست به دست، همچون تابوت عهد بنی اسرائیل از امامی معصوم به امام دیگری منتقل شده است، آن را نماد حقانیت امام و حجت امامت آن حضرت می‌دانند و سلاح امام علیه السلام را سلاح‌های روز زمان ظهور به همراه امدادهای الهی و ... می‌دانند (میراحمدی، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

۱. نمونه‌هایی از پاسخ‌ها به پرسش درباره کیفیت سلاح امام عصر علیه السلام

الف. قدرت روحی امام عصر علیه السلام؛ برخی با تخطئه هر نظری غیر از نظر مختار خویش و نیز نیمه‌روشنفکرنامیدن قائلان به بهره‌مندبودن امام عصر علیه السلام از سلاح‌های پیشرفته زمان ظهور، با استناد به پاسخ عارف نامدار حاج‌شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی به پرسشی درباره کیفیت جنگ امام عصر علیه السلام با اصحاب قدرت و پاسخ عملی آن بزرگوار در متوقف کردن تمامی وسایل نقلیه در حال حرکت در یک قسمت از خیابان با قدرت روحی خود، معتقدند امام علیه السلام صرفاً با قدرت روحی‌اش سلاح‌ها و تجهیزات دشمنانش را نابود می‌کند و با همان شمشیر متعارف و سنتی

و سلاح‌های دوره صدر اسلام، به مقابله با آنان برمی‌خیزد (www.porseman.com/article؛ نک.: میراحمدی، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

بررسی

۱. در این سخن نوعی مغالطه به کار رفته است. یکی از انواع مغالطات آن است که مغالطه‌کننده، بدون آنکه بتواند دلیل خصم را با استدلال یا دلیل محکمی، ابطال کند، صرفاً او را با عباراتی سرزنش می‌کند تا نشان دهد که رأی خصم ارزشی نداشته و اساساً قابل بحث نیست (نک.: محمدی، ۱۳۸۶: ۵۳۴) حال آنکه دلیل، پاسخی از نوع دلیل می‌طلبد نه اتهام و سرزنش.

۲. امامان معصوم علیهم السلام به شیعه دستور داده‌اند که برای ظهور قائم علیه السلام سلاحی آماده کنند، حتی اگر در ناچیز بودنش به اندازه یک تیر باشد (نک.: نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰). حال پرسش این است که: آیا این دستور مختص به شیعیان زمان ائمه و شیعیان دوران شمشیر و تیر و کمان بوده است؟ یا دستوری است برای شیعه در هر عصر و زمان؟ و اگر استفاده امام عصر علیه السلام از سلاح‌های مدرنی که امروز شیعه برای یاری امامش فراهم کرده است یا در آینده فراهم خواهد کرد، منتفی بوده، آیا دستور امام صادق علیه السلام (معاذالله) دستوری لغو نبوده است؟

۳. اگر مقابله امام علیه السلام با دشمنان و سلاح‌هایشان صرفاً با استفاده از امدادهای الاهی، قدرت روحی و ... است آیا بهتر نیست امام علیه السلام با همان وسیله، کاربران آن سلاح‌ها را نیز نابود، و سربازان و جنگجویان دشمن را تار و مار کند تا اساساً نیازی به استفاده دوباره از شمشیر برای از پای درآوردن سربازان خلع سلاح‌شده نباشد؟ یعنی اگر بنا بر آن است که با توسل به امدادهای غیبی و قدرت روحی امام علیه السلام، سلاح‌های دشمن بی‌اثر شود، به طریق اولی، می‌توان سربازان دشمن را نیز با همان نیرو نابود کرد تا نوبت به جنگ با شمشیر و نیزه نرسد. در حالی که چنین نیست و پیروزی حاصل نخواهد شد مگر با نثار خون و ریختن عرق (همان: ۲۸۴). پس چنان‌که معلوم شد، سخنانی آنچنان، توالی فاسدی این چنین دارند که قائل به این نظر به آن نیندیشیده است.

ب. رجوع مجدد بشر به سلاح‌های سنتی؛ برخی دیگر معتقدند بشر پس از سپری کردن دوران سلاح‌های مدرن دوباره به سلاح‌های سنتی رجوع می‌کند و دوباره جنگ با شمشیر اساس جنگ‌ها خواهد شد (میراحمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

بررسی

بطلان این نظر روشن است، زیرا از طرفی روایاتی که مؤید چنین نظری باشد وجود ندارد و از طرف دیگر با روایات متعددی ناسازگار است که بر رشد علم در آخرالزمان و تکمیل آن پس از ظهور امام (علیه السلام) تأکید دارد (نک: حلی، ۱۴۲۱: ۳۲۰).

ج. قدرت اسم اعظم؛ برخی نیز با تکیه بر روایاتی که از امدادهای غیبی و نصرت ویژه الاهی سخن گفته و امام عصر (علیه السلام) را منصور به یاری فرشتگان نشاندار نازل شده در جنگ بدر و حنین دانسته (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۴) و نیز با استناد به بهره‌مندبودن امام (علیه السلام) از اسم اعظم (اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۱۲/۱) ابزار مقابله امام (علیه السلام) با سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی دشمنان را امدادهای غیبی و قدرت اسم اعظم دانسته‌اند (نک: ابن عبدالوهاب، بی تا: ۱۳۸).

بررسی

گرچه امدادهای غیبی جزئی جدانشدنی از ظهور و قیام امام عصر (علیه السلام) است و نقش منحصر به فردی در تحقق پیروزی بر عهده خواهد داشت (نک: نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۴) اما پیروزی امام (علیه السلام) بر دشمنان، صرفاً با تکیه بر امدادهای غیبی نخواهد بود، بلکه نقش یاران امام (علیه السلام) و صلابت اراده‌هایشان (نک: ابن بابویه، ۱۳۵۹: ۶۷۳/۲) در کنار نقش سلاح و قدرت جنگاوری ایشان، بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده است (صفار، ۱۴۰۴: ۴۹۱/۱-۴۹۲).

د. «شمشیر» نماد قیام و درگیری مسلحانه؛ برخی نیز با تکیه بر استدلال‌هایی کلی، شمشیر امام (علیه السلام) را نماد درگیری مسلحانه دانسته‌اند و با توجه به مدرن‌بودن سلاح‌های امروزی و قیاس سلاح‌های زمان ظهور با سلاح‌های امروزی، امکان پیروزی با شمشیر بر این سلاح‌ها را ناممکن دانسته و نتیجه گرفته‌اند که امام (علیه السلام) برای مقابله با دشمنانش از سلاح‌های روز استفاده خواهد کرد (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۰۹).

بررسی

گرچه استدلال فوق در جای خود صحیح است، اما قائلان به این نظر بدون اینکه از آیات و روایات، مستندی نقلی، بر استدلال خود عرضه کنند صرفاً با مراجعه به عقل و کلیات عقلی، استدلالی عقلی ترتیب داده و نتیجه گرفته‌اند، حال آنکه می‌توان با بهره‌گیری از آیات و روایات و تحلیل محتوای آنها، موضوع را اثبات کرد و به یقین رسید، بدون آنکه نیازی به توسل به

استدلال‌های عقلی صرفی باشد که در این خصوص، به دلیل یقینی نبودن مقدماتش، توان اقناع‌کنندگی کامل را نیز ندارد.

۵. درک‌ناپذیر بودن سلاح‌های عصر ظهور برای معاصران معصوم علیهم السلام؛ برخی دیگر، دلیل خود در نمادداشتن «شمشیر» به عنوان «قدرت سلاح مناسب با عصر ظهور» (صدر، ۱۴۱۲: ۱۸۵/۲) را فقدان فهم معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از سلاحی غیر از شمشیر و زره و ... می‌دانند و می‌گویند چه بسا اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام از سلاحی ناشناخته سخن می‌فرمود، معاصران آن حضرت، باز در تحویل خود، به آن شمشیر و زره و ... را می‌افزودند (همان).

بررسی

در زبان روایات از سلاح‌ها و تجهیزاتی سخن به میان آمده که بسیار متفاوت با سلاح‌ها و ادوات جنگی زمان صدور حدیث است که معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام شناختی از آنها نداشته‌اند، ولی علی‌رغم آن، معصوم علیه السلام از آنها سخن به میان آورده و به دلیل فقدان فهم مخاطبش از بیان آنها چشم‌پوشی نکرده است، یعنی اگر استدلال فوق صحیح و دقیق می‌بود، نباید هیچ معصومی از هیچ سلاح ناشناخته‌ای سخنی به میان می‌آورد و همواره باید مراعات ذهن و تجربیات مخاطب معاصر خود را می‌کرد، حال آنکه چنین نبوده و معصوم علیه السلام گاه از سلاح و تجهیزاتی سخن به میان آورده که مخاطب معاصر معصوم تجربه‌ای از آن سلاح‌ها و قدرت فوق‌العاده‌شان نداشته است (صفا، ۱۴۰۴: ۴۹۱/۱-۴۹۲؛ نک.: عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۳/۱).

۲. سلاح و تجهیزات امام عصر علیه السلام و یارانش برای مقابله با دشمنان پس از تحقق ظهور با بررسی مجموع روایات واردشده، سلاح و تجهیزاتی که امام عصر علیه السلام از آنها برای تحقق نهضت جهانی‌اش استفاده می‌کند، در دو دسته می‌گنجد:

۲.۱. سلاح‌ها و تجهیزات سنتی

۱. محمد بن عیسی از صفوان از مثنی از عمرو بن شمر از جابر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند (در زمان ظهور) ترس را از قلب‌های شیعیان ما زایل کرده و آن را در قلب‌های دشمنان جای می‌دهد. پس هر یک از شیعیان، از نیزه فرورونده‌تر، از شیر، شجاع‌تر و

حمله‌ور شونده‌تر می‌شود، پس دشمنانش را با نیزه و شمشیر می‌زند و زیر پاهای خود پایمال می‌کند» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۸۴۰/۲).

بررسی سند؛ این حدیث که مسند است، در کتابی قبل‌تر از الخرائج والجرائح راوندی یافت نشد، اما در مختصر البصائر با همان سند مذکور در کتاب راوندی روایت شده است (نک.: حلی، ۱۴۲۱: ۳۱۹) و چون مختصر البصائر، همان‌گونه که از نامش پیدا است، مختصر شده بصائر الدرجات است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حدیث فوق، با اینکه در نسخه فعلی بصائر الدرجات، اثری از آن نیست، ولی در نسخه‌ای از آن که در اختیار صاحب مختصر البصائر بوده، وجود داشته و چه بسا راوندی نیز حدیث فوق را از آنجا یا منبع متقدم دیگری که این حدیث در آن موجود بوده، نقل کرده است.

۲. از اصبع بن نباته نقل شده است که گفت همراه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودیم، در حالی که در بازار می‌گشت و مردم را به وفای در کیل و ترازو فرمان می‌داد تا اینکه هنگام ظهر شد. سپس امیرالمؤمنین خارج شده و حرکت کرد تا به قصر الأمانة کوفه رسید، پایش را بر زمین زد و زمین به لرزه افتاد. سپس فرمود: «به خدا قسم اگر بدانید که چه چیزی در اینجا است، آگاه باشید که به خدا قسم هر گاه قائم ما قیام کند از این مکان دوازده هزار زره و دوازده هزار کلاه خودی که دور و دارد، بیرون می‌آورد و آنها را می‌پوشاند به دوازده هزار مرد از فرزندان عجم، و فرمان می‌دهد تا هر که را که خلاف آنان هستند بکشند و من آن را می‌دانم و می‌بینم، همان‌طور که امروز را می‌دانم و می‌بینم» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲۸۴/۲).

بررسی سند؛ گرچه در کتاب پیش‌گفته دیلمی روایت به صورت مرفوع از اصبع بن نباته نقل شده، اما در کتاب الهدایة الکبری، که از کتب متقدمان است، علی‌رغم جرح‌هایی که رجالیان بر مؤلفش وارد کرده‌اند، سندی متصل دارد (نک.: خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۵۹).

۳. امام صادق (علیه السلام) درباره آن فرمودند: «جفر احمر ظرفی است که سلاح رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) در آن است» (مفید، ۱۳۷۲: ۱۸۶/۲). جفر احمر برای کشتن باز می‌شود، آن را صاحب شمشیر [امام مهدی (علیه السلام)] برای کشتن باز می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۰/۱).

بررسی سند؛ این روایت سندی متصل دارد و کلینی از طریق روایانی امامی و ثقه (نک.: طوسی، ۱۴۲۰: ۲۶۳؛ نک.: خویی، ۱۴۰۹: ۱۰/۲۹۴) از طریق «عده خود» نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۰/۱).

بررسی روایاتی که ظاهر آنها، سلاح امام عصر علیه السلام را سلاحی سنتی معرفی می‌کند، نشان‌دهنده آن است که اکثر آنها دارای اسنادی متصل و حتی صحیح است، اما اشکال فراگیری که متن این روایات عموماً با آن مواجه است این است که با واقعیت مشهود در زمان حاضر انطباق‌پذیر نیست. چه، این روایات از سلاح‌هایی سخن گفته که نه تنها امروزه کاربرد چندانی ندارد بلکه در آینده نیز، با توجه به تأکید روایات بر گسترش بیش از پیش علم بشر (نک: حلی، ۱۴۲۱: ۳۲۰)، چه بسا کارایی خود را هر چه بیشتر از دست بدهد.

۲.۲. امکانات و تجهیزات فوق‌العاده

۱. محمد بن هارون از سهل بن زیاد و او از ابی‌یحیی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند ذوالقرنین را مخیر نمود میان انتخاب ابر رام و ابر سخت و سرکش. او رام را برگزید که در آن رعد و برقی نبود و اگر سخت و سرکش را برمی‌گزید، آن نمی‌توانست برای او باشد، چراکه خداوند آن را برای قائم علیه السلام ذخیره کرده بود» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۰۹).

بررسی سند؛ در سند این حدیث ابوسعید سهل بن زیاد الآدمی الرازی قرار دارد که نجاشی او را در حدیث ضعیف و غیر معتمد دانسته و گفته است: «احمد بن محمد بن عیسی درباره او شهادت به غلو و کذب داده است» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۵)، ولی علی‌رغم تضعیف نجاشی، برخی نیز او را با وصف ثقه اهل ری توصیف کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۷).

بررسی متن؛ به طور کلی، روایاتی که از سلاح‌ها یا تجهیزاتی ناشناخته در زمان صدور حدیث سخن گفته‌اند، به تجهیزات و سلاح‌های مدرن امروزی شبیه‌ترند و از نظر تعداد، در مقایسه با روایاتی که سخن از سلاح‌های سنتی به میان آورده‌اند، بسیار کم‌ترند. روایت محل بحث نیز به قرینه روایتی دیگر که در اختیار داشتن «ابر سخت و سرکش» را از فضایل امام علی علیه السلام نیز می‌داند (نک: صفار، ۱۴۰۴: ۴۰۹) نمی‌تواند صرفاً اشاره به تجهیزات فناورانه آخرالزمانی باشد.

۲. احمد بن محمد بن حسین از ابی‌عبدالله علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «پشت این دریا، خداوند شهری دارد که فاصله‌اش چهل روز راه است و در آن قومی زندگی می‌کنند که هیچ‌گاه خدا را نافرمانی نمی‌کنند و ... [اینان قومی هستند] که هر گاه قائم علیه السلام به آنان فرمانی دهد، به انجام آن قیام کرده و هرگز بر زمین نمی‌نشینند تا آنکه امام علیه السلام به کار دیگری فرمانشان بدهد، آنان این‌گونه‌اند که اگر بر جمعیتی که تعدادشان شرق و غرب را پوشانده است وارد شوند، در یک لحظه همه آنها را نابود می‌کنند و آهن بر آنها اثر نمی‌کند و آنان شمشیرهایی دارند از آهنی که غیر از این

آهن است که اگر یکی از آنان با شمشیرش بر کوهی بزند، کوه را متلاشی می‌کند. امام علیه السلام با آنان هند، دیلم، کرد، ترک، بربر و مابین جابرسا و جابلقا، که دو شهرند یکی در مشرق و دیگری در مغرب، را فتح می‌کند» (همان: ۴۹۰/۱-۴۹۲).

بررسی سند؛ این روایت، که روایتی نسبتاً طولانی است و سندی متصل نیز دارد با اندکی تفاوت در متن، ولی با سندی متفاوت، در مختصر البصائر نیز آمده و راوی‌اش در بصائر، هشام جوالیقی از امام صادق علیه السلام است که نجاشی درباره‌اش گفته است: «ثقة ثقة. له كتاب يرويه جماعة» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۴). اما روایت مختصر البصائر که آن هم سندی متصل دارد، از محمد بن مسلم، صحابی جلیل‌القدر، از امام صادق علیه السلام است و از تفاوت در سند و اندکی در متن که میان آن دو وجود دارد، می‌توان احتمال داد که این روایت در نسخه‌ای از بصائر، که در اختیار صاحب مختصر البصائر بوده، حداقل دو روایت با دو طریق بوده است که صاحب مختصر البصائر از آوردن یکی از آن دو خودداری کرده است.

بررسی متن؛ با اینکه متن این روایت، به دلیل نامأنوس بودن بخش‌هایی از آن، نیاز به تأویل و توجیه دارد، اما به دلیل تأکیدی که بر قدرت تخریبی و تأثیرگذاری سلاح (شمشیر) یاران امام علیه السلام دارد، جز با توسل به جنبه‌ای از اعجاز و کرامت، قابل انتساب به سلاح‌های سنتی نیست و چون در متن نیز، تصریح یا حتی قرینه‌ای بر وجود جنبه‌هایی از کرامت در آنها نیست، پس این حدیث می‌تواند تناسب بیشتری با سلاح‌های امروزی داشته باشد و چه بسا اشاره‌ای به سلاح‌های قدرتمند امروزی یا آینده باشد.

۳. از ابان بن تغلب روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به‌زودی در مسجدتان، یعنی مسجد مکه، ۳۱۳ مرد گرد خواهند آمد و اهل مکه می‌دانند که آنان، فرزند پدران و اجداد مکیان نیستند. آن مردان شمشیرهایی دارند که بر هر یک از آنها کلمه‌ای مکتوب است که هزار کلمه را می‌گشاید. خداوند بادی را برمی‌انگیزد که با آن به هر وادی ندا در داده می‌شود که این مهدی است که همچون داود و سلیمان نبی علیه السلام قضاوت می‌کند و بر قضاوت خود نیز بی‌بینه و دلیلی نمی‌خواهد» (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ۶۷۱/۲).

بررسی سند؛ این روایت مسند، به جز ابان بن عثمان که او هم از اصحاب اجماع و فقیه است (الکشی، ۱۴۰۹: ۳۷۵) تمامی روایانش ثقة‌اند و برخی از آنها، علاوه بر آن، به صفات باشکوهی همچون «جلیل‌القدر»، «عظیم‌القدر»، «عظیم‌الشأن» و «صدوق» نیز موصوف شده‌اند (نک.: طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴ و ۴۵۰).

بررسی متن؛ این روایت به گونه‌ای است که می‌تواند به صورتی متشابه، هم به سلاح‌های قدیمی اشاره کند و هم به مدد تأویل، به سلاح‌های مدرن و امروزی اشاره داشته باشد.

۴. «ای احنف! گویا می‌بینم که با سپاهی حرکت می‌کند که نه غباری دارد و نه غوغا و بانگ لشکری، نه صدای اضطراب لجامی دارد و نه صیحه اسبی، زمین را چون پای شترمرغ زیر و رو می‌کند» (صالح، ۱۴۱۴: ۱۸۵).

بررسی سند؛ این روایت در نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۲۸ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۲۵/۸) و تفسیر مجمع البیان نیز آن را به صورت روایتی مرسل با صیغه مجهول (نُقِلَ) از امام علی علیه السلام نقل کرده است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۱۳/۵).

بررسی متن؛ این روایت نیز گرچه در آن به حوادث ظهور و آخرالزمان اشاره‌ای نشده، اما با استناد به اینکه، اولاً در باب ملاحم صادر شده و ثانیاً از لشکرکشی متفاوتی که غیر متناسب با لشکرکشی‌های سنتی است، سخن به میان آورده است، می‌تواند به لشکرکشی‌های آخرالزمانی نسبت داده شود. اما تناسبی با لشکرکشی‌های شناخته‌شده فعلی هم ندارد، زیرا گرچه در لشکرکشی‌های فعلی، خبری از صیحه اسب و صدای اضطراب لجام نیست، اما برانگیخته‌شدن غبار در آن، عادی است.

۵. از جابر نقل شده است که ابوجعفر علیه السلام درباره آیه «فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ» فرمود: «[قائم] علیه السلام فرود می‌آید با هفت قبه از نور که کسی نمی‌داند در داخل کدام از آنها است. و آن هنگامی است که او در پشت کوفه فرود می‌آید. آن زمان، زمان فرود آمدن است» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۳/۱).

۶. و از ابوجعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «او فرود می‌آید در هفت قبه از نور و آنگاه که فرود می‌آید، فرود می‌آید در پشت کوفه برای جدانمودن حق از باطل» (همان).

بررسی سند؛ این دو روایت، روایاتی معلق‌اند و از متقدمان صرفاً عیاشی در تفسیر خود آن را آورده و علمای متأخر نیز جملگی، این روایت را از همین تفسیر نقل کرده‌اند که می‌تواند نشانه آن باشد که احتمالاً ایشان نیز این روایت را در کتاب دیگری نیافته‌اند.

۷. و با اسنادش مرفوعاً از ابن مسکان روایت کرده است که گفت شنیدم از امام صادق علیه السلام که می‌فرمود: «مؤمن در زمان قائم علیه السلام در حالی که در مشرق زمین است، برادر خود در مغرب زمین را می‌بیند و همچنین کسی که در مغرب زمین است برادر خود در مشرق زمین را می‌بیند» (مجلسی، بی‌تا: ۳۹۱/۵۲).

بررسی سند؛ این روایت به صورت مرفوع در بحار الانوار آمده و در کتب متقدمان یافت نشد. ۸. ابی‌الربيع شامی روایت کرده است که گفت شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام نماید، خداوند قدرت شیعیان ما را در شنیدن و دیدن گسترش می‌دهد، به نحوی که میان آنها با قائم (علیه السلام) نامه‌رسانی رد و بدل نمی‌گردد، بلکه آنان با او سخن می‌گویند و او در حالی که در مکان خود می‌باشد سخنان ایشان را می‌شنود و آنان را می‌بیند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۱/۸).

بررسی سند؛ این روایت سندی متصل دارد و به جز ربیع بن محمد المسلی و نیز ابوالربیع الشامی که هر دو کتابی داشته‌اند و در کتب رجالی نیز بدون مدح و ذمی نامشان برده شده (نک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶۴ و ۴۵۵) بقیه روایانش امامی و ثقه‌اند (نک: همان: ۹۲، ۶۳ و ۲۸۱).

بررسی متن چهار روایت اخیر

ظاهر روایات پنجم تا هشتم به گونه‌ای است که با تردید کمتری می‌توان درباره آنها قضاوت کرد و از تطبیق احتمالی آنها با اوضاع و احوال زمان حاضر سخن به میان آورد، چراکه در هیچ یک از آنها اشاره‌ای به وجود جنبه اعجاز یا کرامت نشده و دلیلی هم بر توسل بدان وجود ندارد. بنابراین، از چهار روایت اخیر می‌توان نتیجه گرفت که زمان ظهور زمانی است با سلاح‌ها، امکانات و تجهیزاتی متفاوت و امام عصر (علیه السلام) نیز از آنها بهره‌مند خواهد بود.

۳. سلاح دشمنان امام (علیه السلام) قبل از ظهور و مقارن آن

گرچه در میان روایات موجود در موضوع مهدویت، نامی از سلاح‌هایی با مشخصات خاص برای دشمنان امام (علیه السلام) در میان نیست، اما لوازم برخی روایات اقتضا دارد که در زمان ظهور، دشمنان امام (علیه السلام) مجهز به سلاح‌ها و تجهیزاتی باشند که با به‌کارگیری آنها کشتارهایی وسیع به بار آورند و جمعیت فراوانی از کره زمین را به کام مرگ بفرستند و حتی آمار جمعیت آن را کاهش دهند.

روایت اول

محمد بن یحیی از احمد بن محمد از ابن فضال از علی بن عقبه از پدرش از میسر از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: «ای میسر! چه مقدار میان شما و میان قرقیسا فاصله است؟»، گفتم: «آن در ساحل فرات و نزدیک ما است». امام (علیه السلام) فرمود: «به‌زودی در قرقیسا واقعه‌ای به وقوع خواهد پیوست که از زمانی که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق نموده است چنان

واقعه‌ای رخ نداده و مانند آن نیز تا چندی که آسمان‌ها و زمین وجود دارند رخ نخواهد داد. آن واقعه سفره‌ای برای درندگان زمین و پرندگان آسمان فراهم خواهد نمود که از آن شکم‌های خود را سیر کنند. در آن نبرد قیس هلاک می‌گردد و هیچ داعی و خون‌خواهی برایش نخواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۵/۸).

بررسی سند؛ با توجه به اینکه واقعه قرقیسا واقعه‌ای است که پس از آن سفیانی ظهور می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۳) و حتی بنا به روایت محمد بن عجلان از امام صادق علیه السلام پس از ظهور امام عصر علیه السلام واقع می‌گردد (بهاء‌الدین نیلی، ۱۴۲۰: ۳۳۸) روایت فوق اهمیت دارد و سندش را به‌دقت ارزیابی می‌کنیم:

روایت از نظر سندی، از ویژگی اتصال سند برخوردار است و حدیثی «حسن» است. مجلسی نیز درباره آن گفته است: «حسن علی الاظهر» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۶/۳۲۴). زیرا راویان این حدیث به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. محمد بن یحیی که همان محمد بن یحیی العطار است که با ویژگی «شیخ من أصحابنا فی زمانه ثقة عین کثیر الحدیث» توصیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۵۷).
۲. احمد بن محمد که همان أحمد بن محمد بن عیسی الأشعری است و با ویژگی‌های ممتاز زیر توصیف شده است: «امامی صحیح المذهب ظاهراً» (کشی، ۱۴۰۹: ۵۹۶)؛ «ثقة جلیل. إمامی صحیح المذهب» (طوسی، ۱۴۲۰: ۶۱؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۴).
۳. ابن فضال نیز علی‌رغم آنکه فطحی بوده ولی بعداً رجوع کرده و امامی و ثقة بوده و بنا به قولی در زمره اصحاب اجماع است (نک.: کشی، ۱۴۰۹: ۵۶۵-۵۶۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۵۴).
۴. علی بن عقبه نیز، که همان علی بن عقبه بن خالد است، ثقة و امامی صحیح المذهب است (نک.: نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۱؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۲).
۵. عقبه بن خالد الاسدی نیز نامش در رجال نجاشی آمده، بدون آنکه مدح یا ذم شده باشد، کوفی است و از کسانی است که از امام صادق علیه السلام روایت می‌کرده و کتابی هم داشته است (نک.: نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۹۹).
۶. میسر بن عبدالعزیز النخعی نیز ثقة، امامی، صحیح المذهب و ممدوح است (حلی، ۱۴۱۱: ۱۷۱؛ کشی، ۱۴۰۹: ۲۴۲-۲۴۴).

روایت دوم

فضل از علی بن اسباط و او از محمد بن ابی‌البلاد از علی بن محمد الأودی از پدرش از جدش از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: «پیش از ظهور قائم (علیه السلام) مرگ سرخ و مرگ سفید و نیز در وقت و بی‌وقت آفت ملخ خواهد بود که ملخش در سرخی به رنگ خون است. و اما مرگ سرخ با شمشیر خواهد بود و مرگ سفید با طاعون» (طوسی، ۱۴۲۵: ۴۳۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۷؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۸؛ مقدسی شافعی سلمی، ۱۴۲۸: ۹۸؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۴۵۹/۲؛ مفید، ۱۳۷۲: ۳۷۲/۲؛ بهاء‌الدین نیلی، ۱۴۲۰: ۵۷؛ ابن‌صباغ، ۱۴۲۲: ۱۱۳۱/۲).

بررسی سند؛ طریق نعمانی و طوسی در این روایت، هر دو یکی است، غیر از آنکه در طریق نعمانی، راوی، علی بن محمد بن اعلم الأزدی است که از پدرش نقل می‌کند، در حالی که در طریق طوسی، نام راوی علی بن محمد الأودی ذکر شده که او نیز از پدرش نقل می‌کند و البته در هر دو روایت، ادامه طریق روایت به جد راوی و از طریق او به حضرت علی (علیه السلام) می‌رسد که با عنایت به شباهت ظاهری نام «الازدی» در روایت نعمانی با لفظ «الاودی» در روایت طوسی، بروز اشتباه در کتابت لفظ بسیار محتمل می‌نماید و احتمالاً نام صحیح راوی یکی از آن دو بوده و آن دیگری اشتباه لفظی در کتابت است.

روایت سوم

حسین بن سعید از صفوان بن یحیی، از عبدالرحمان بن حجاج، از سلیمان بن خالد نقل کرده است که گفت شنیدم از امام صادق (علیه السلام) که می‌فرمود: «پیش از قیام قائم (علیه السلام) دو مرگ خواهد بود، مرگ سرخ و مرگ سفید تا اینکه از هر هفت تن پنج تن از میان بروند. مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید با طاعون» (ابن‌بابویه، ۱۳۵۹: ۶۵۵/۲).

بررسی سند؛ اما در روایت سوم، طریق صدوق کاملاً متفاوت است و به امام صادق (علیه السلام) منتهی می‌شود و متن مفصل‌تری هم دارد که کمیت کشته‌شدگان را نیز مشخص کرده و تعداد کشته‌شدگان مرگ‌های سفید و سرخ را پنج قسم از هفت قسم جمعیت انسانی زمین ذکر کرده است. طریق طبرسی در اعلام الوری نیز همان طریق طوسی است و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این روایت از دو طریق نقل شده است.

با عنایت به مباحث فوق، می‌توان از این روایات چنین نتیجه گرفت که پیش از ظهور امام عصر (علیه السلام) مرگ‌های انبوه و کشتارهای بزرگی در میان انسان‌ها حادث می‌شود و این مرگ‌ها هم با جنگ و

درگیری و هم با شیوع بیماری است، و به قرینه ذکر توأمان دو مرگ سرخ و سفید در کنار یکدیگر نیز می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً هر دو هم‌زمان هستند. حال یا مرگ سفید که به تصریح روایت، همان مرگ با بیماری است، نتیجه طبیعی مرگ‌های سرخ است، که چه‌بسا حاصل انتشار عوامل بیماری‌زای ناشی از عفونت اجساد مردگان میدان جنگ است. یا به احتمالی که مناسب‌تر با اوضاع و احوال زمان حاضر نیز هست، کشتار به وسیله عوامل بیماری‌زا است که زبان امروزی‌اش، همان کشتار با سلاح‌های میکروبی است.

به هر حال، اگر این روایت را در کنار واقعیات خارجی موجود در زمان حاضر بگذاریم و قدرت کشتار سلاح‌های کشتار جمعی و میکروبی قدرت‌های اسلام‌ستیز جهانی را نیز در نظر آوریم، می‌توان ترسیمی دقیق‌تر، از وضعیتی داشت که روایت در پی توصیف آن است و این نتیجه را گرفت که سلاح‌های دشمنان امام عصر علیه السلام سلاح‌هایی مخوف و قدرتمندند که مرگ‌های سرخ و سفید به راه می‌اندازند؛ و نیز دو ظرف «بین یدی» و «قدام» نیز نشان‌دهنده آن است که این جنگ‌ها و کشتارها قبل از ظهور امام عصر علیه السلام رخ خواهد داد نه پس از ظهور.

با ترسیمی که روایات فوق از اوضاع و احوال منتهی به ظهور می‌کند، می‌توان این نتیجه را گرفت که امام عصر علیه السلام با دشمنانی این‌چنین روبه‌رو است، که کشتارهایی وسیع و احتمالاً با سلاح‌هایی مخوف انجام می‌دهند. این نتیجه‌گیری هنگامی تقویت می‌شود که می‌بینیم مرگ سفید، عطف به مرگ سرخ شده است و می‌تواند نشانگر آن باشد که سهم هر دو، در وقوع مرگ‌ها نقشی بزرگ و مشابه یکدیگر است.

از این نکته، نکته دیگری نیز به دست می‌آید و آن اینکه اگر به قید کمی «پنج قسم از هفت قسم» که در روایت صدوق آمده و آمار کشتگان آن دو مرگ را پنج‌هفتم اهل زمین شمرده است، توجه کنیم، این نتیجه نیز به دست خواهد آمد که حداقل نیمی از کشته‌شدگان آن دو مرگ، به واسطه سلاح و جنگ خواهد بود و واضح است که اگر جمعیت فعلی کره زمین را مبنا قرار دهیم و جمعیت زمین در عصر ظهور نیز حداقل همین مقدار فعلی در نظر گرفته شود، آنگاه انبوهی از ساکنان زمین که حداقل نیمی از ساکنان فعلی آنند، در آستانه ظهور و در جنگ‌های منتهی به ظهور، با سلاح جنگی کشته خواهند شد و این تعداد کشته‌انبوه، در جنگی که متخاصمان، سلاحشان شمشیر باشد، برای عقل سلیم متصور و پذیرفتنی نیست.

بنابراین، لوازم پذیرش مدلول چنین روایاتی اقتضا می‌کند که سلاحی که در اختیار متخاصمان است سلاح‌هایی قدرتمند و پیشرفته باشد تا بتوانند در مدتی اندک، آن کشتار وسیع و عظیم را رقم

بزند، چراکه یک طرف درگیریِ قرقیسیای سفیانی است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰) و بزرگ‌ترین کشتار تاریخ بشر از ابتدای خلقت تا قیامت نیز در قرقیسیا صورت می‌گیرد که این نیز می‌تواند اشاره به قدرت سلاح طرف‌های درگیر و از جمله سفیانی باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۵/۸) و فاصله خروج سفیانی پس از تسلط بر مناطق پنج‌گانه مذکور در روایات (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۴)، تا ظهور امام عصر علیه السلام نیز بنا به تأکید بسیاری از روایات، فاصله یک وضع حمل، یعنی نُه ماه، خواهد بود که بسیار نزدیک به ظهور امام علیه السلام است (همان)؛ و نیز نخستین دشمنی که اندکی پیش از ظهور خروج می‌کند (همان: ۲۶۴) و به محض ظهور امام علیه السلام لشکری برای مقابله با امام عصر علیه السلام گسیل می‌دارد و گسیل‌شدگانش در بیداء، خسف می‌شوند، سفیانی است (همان). پس سفیانی در هنگام مقابله با امام عصر علیه السلام نیز مسلح به سلاح‌های مدرن و پیشرفته خواهد بود.

حال با عنایت به روایات پیش‌گفته درباره سلاح امام عصر علیه السلام در عصر ظهور، که از سلاح‌هایی ناشناخته نیز سخن می‌گفتند و حتی برخی از آنها از شمشیرهایی یاد می‌کردند که اگر بر کوه زده شود، کوه را متلاشی می‌کند، یا یاران امام عصر علیه السلام را این‌گونه توصیف می‌کردند که «اگر بر جمعیتی که تعدادشان شرق و غرب را پوشانده است وارد شوند، در یک لحظه همه آنها را نابود می‌کنند و آهن بر آنها اثر نمی‌کند و آنان شمشیرهایی دارند از آهنی که غیر از این آهن است که اگر یکی از آنان با شمشیرش بر کوهی بزند، کوه را متلاشی می‌کند» می‌توان نتیجه گرفت که سلاح امام عصر علیه السلام و نیز سلاح یاران آن حضرت نیز با سلاح‌های پیشرفته سفیانی و دشمنان قبل از ظهور، تناسب دارد و سلاح امام علیه السلام صرفاً شمشیر یا هر سلاح سنتی دیگری نیست، بلکه امام علیه السلام در کنار بهره‌مندبودن از امدادهای غیبی و قدرت روحی و اسم اعظم (نک: ابن‌الوهاب، بی‌تا: ۱۳۸) و نزول فرشتگان نشاندار (ابن‌بابویه، ۱۳۵۹: ۶۷۲/۲) از سلاح‌های پیشرفته نیز برخوردار است.

بنابراین، آنچه می‌تواند این نتیجه‌گیری را تقویت کند، اولاً لزوم تناسب سلاح امام علیه السلام با سلاح‌های قدرتمند دشمنان عصر ظهور بر اساس قضاوت عقل سلیم است؛ ثانیاً اشاره روایات پیش‌گفته به برخی از سلاح‌های ناشناخته و قدرتمند امام و یاران ایشان، که اگر به صورت استدلالی منطقی تنظیم شود، حاوی دو مقدمه برگرفته از دو دسته از روایات خواهد بود: یکی از مقدمات از لوازم روایات مربوط به کشتار وسیع دشمنان امام علیه السلام در قبل از ظهور حاصل شده و مقدمه دیگر از لوازم روایات مربوط به تجهیزات و سلاح‌های ناشناخته مذکور در روایات برای امام عصر علیه السلام و یاران ایشان، که می‌توان بر اساس آن دو مقدمه، دو استدلال زیر را تنظیم کرد:

استدلال اول: قیاس اقترانی

مقدمه اول: دشمنان امام علیه السلام که اندکی قبل از ظهور آن حضرت خروج می‌کنند، کشتارهایی بسیار وسیع در مدت زمانی اندک انجام می‌دهند.

مقدمه دوم: هر دشمنی که کشتارهایی بسیار وسیع در مدت زمان اندک انجام دهد، مجهز به سلاح‌های قدرتمند است.

نتیجه: پس دشمنان امام علیه السلام که اندکی قبل از ظهور آن حضرت خروج می‌کنند، مجهز به سلاح‌های قدرتمندند.

استدلال دوم: قیاس استثنایی

مقدمه اول: اگر روایاتی از قدرتمندی سلاح امام عصر علیه السلام و یاران ایشان سخن بگویند، آنگاه میان قدرت سلاح و تجهیزات امام علیه السلام و سلاح‌های قدرتمند دشمنان ایشان تناسب وجود خواهد داشت.

مقدمه دوم: اما روایات از قدرتمندی سلاح امام عصر علیه السلام و یاران ایشان سخن گفته‌اند. نتیجه: پس میان قدرت سلاح و تجهیزات امام علیه السلام و سلاح‌های قدرتمند دشمنان ایشان تناسب وجود دارد.

اما اینکه این سلاح‌های پیشرفته و مدرن که در اختیار امام علیه السلام خواهد بود، چگونه تهیه شده و چگونه به کار گرفته می‌شود، موضوعی است که پژوهشی جداگانه می‌طلبد، ولی آنچه در نگاه نخست توجه را به خود جلب می‌کند، شیعه و ظرفیت‌های او است که می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار در حوادث قبل و بعد از ظهور عمل کند و سلاحی که در اختیار شیعه است نیز، به میدان دفاع از امام عصر علیه السلام وارد شود، چنان‌که امام صادق علیه السلام نیز به شیعه چنین دستوری داده و از او خواسته است برای قیام قائم علیه السلام سلاحی آماده کند، گرچه آن سلاح صرفاً یک تیر باشد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰).

۴. نحوه مقابله امام عصر علیه السلام با سلاح‌های قدرتمند و مخوف دشمنان

حال فارغ از اینکه امام عصر علیه السلام پس از ظهور، احتمالاً چه سلاح‌ها و امکانات جدید دیگری وارد صحنه درگیری با دشمنان می‌کند و چگونه با سپاه روم (همان: ۲۳۵) و دجال (ابن‌بابویه، ۱۳۵۹:

۱۵۶/۱) مقابله خواهد کرد، با استناد به مطالب پیش‌گفته می‌توان سلاح امام عصر علیه السلام برای مقابله با سلاح‌های سفیانی و دیگر دشمنان عصر ظهور را در دو نوع زیر گنجانند:

۱. همان سلاحی که امام علیه السلام با خود همراه دارند که شمشیر رسول‌الله است در «جفر احمر»، و آن «جفر» هنگام ظهور به دست امام علیه السلام باز می‌شود (مفید، ۱۳۷۲: ۱۸۶/۲) و نماد قیام مسلحانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۰۹). نیز همین شمشیر است که هنگام فرارسیدن وقت خروج امام علیه السلام، به فرمان الهی، با حرکت و خارج شدن از غلاف خود، فرارسیدن وقت ظهور را به امام علیه السلام خبر می‌دهد (ابن‌بابویه، ۱۳۵۹: ۱۵۶/۱).

۲. سلاح‌هایی که شیعه برای دفاع از خود و امام خود آماده کرده، که آن سلاح‌ها به دلیل معاصر بودن شیعه زمان ظهور با عصر سلاح‌های پیشرفته، متناسب با سلاح‌های دشمنان معاصر ظهور خواهد بود و نمونه‌ای از آن را می‌توان از روایت ذیل استنباط کرد:

امام صادق علیه السلام فرمود: «باید هر کدام از شما برای قیام قائم علیه السلام چیزی آماده نمایند گرچه آن یک تیر بوده باشد. به راستی که اگر خداوند تعالی چنین نیتی را در کسی ببیند، امید آن دارم که اجلس را به تأخیر بیندازد تا قیام قائم علیه السلام را درک کرده و از اعوان و انصارش گردد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰).

و چه‌بسا دوازده هزار ساز و برگ نظامی که در عراق و در زیر زمین انباشته شده و امام علیه السلام آن را بیرون می‌آورد و بر دوازده هزار مرد عجم می‌پوشاند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۴) هم اشاره‌ای به وجود آمادگی‌ها و تجهیزاتی برای شیعه قبل از ظهور باشد.

بنابراین، چون روایات، از سلاح‌ها و تجهیزات قدرتمندی متفاوت با سلاح‌های سنتی سخن می‌گویند، احتمالاً اشاره به سلاح‌هایی دارند که شیعه برای دفاع از خود و امام خود در زمان ظهور آماده کرده و در اختیار امام علیه السلام قرار می‌دهد.

نتیجه

۱. از روایاتی که بر وقوع کشتار انبوه میان دشمنان امام علیه السلام به دست یکدیگر و اندکی قبل از ظهور اتفاق می افتد و آمارش به نیم یا حتی پنج هفتم اهل آن زمان می رسد، می توان نتیجه گرفت که دشمنان امام عصر علیه السلام حداقل اندکی قبل از ظهور، کشتارهایی وسیع و با سلاح هایی قدرتمند و مخوف به راه می اندازند.
۲. از آنجا که یک طرف کشتارهای انبوه در جنگ های قبل از ظهور امام عصر علیه السلام، سفیانی است و از طرف دیگر اولین دشمنی هم که برای مقابله با امام علیه السلام لشگری گسیل می کند سفیانی است، پس امام علیه السلام با دشمنانی مسلح به سلاح های مخوف روبه رو خواهد بود.
۳. با توجه به مخوف بودن سلاح های دشمنان امام عصر علیه السلام پیش از ظهور و مقارن آن، و وجود روایاتی دال بر قدرت فوق العاده شمشیر یاران امام عصر علیه السلام، می توان چنین استنباط کرد که امام علیه السلام سلاح متناسب با سلاح دشمنانش را در اختیار دارد و ذکر لفظ «شمشیر» و ... در زبان روایات مربوط به قیام امام علیه السلام، به معنای آن نیست که سلاح امام علیه السلام برای مقابله با دشمنان مسلح به سلاح های مخوف، همان شمشیر و سلاح سنتی است.
۴. سلاح امام عصر علیه السلام غیر از آنچه خود ایشان به همراه دارد، در واقع همان سلاح شیعه و منتظران ظهور آن حضرت علیه السلام است که در کنار سایر عوامل پیروزی از قبیل امدادهای غیبی و غیره، آن سلاح ها نیز سلاح هایی متناسب با قدرت سلاح های دشمنان است و پیروزی را محقق می کند.
۵. نظر کسانی که از نابودی سلاح های مدرن در زمان ظهور، و بازگشت دوباره بشر به استفاده از سلاح های سنتی مانند شمشیر، زره و ... سخن می گویند، بدون دلیل، و از درجه اعتبار ساقط است. زیرا از طرفی روایاتی که مؤید چنین نظری باشد وجود ندارد و از طرف دیگر، با روایات متعددی که بر رشد علم در آخرالزمان و نیز تکمیل آن پس از ظهور امام علیه السلام تأکید دارد، سازگار نیست.

منابع

- قرآن (۱۳۷۳). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴). تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، تحقیق و تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹). کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن صباغ، علی بن محمد (۱۴۲۲). الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: سامی غریبی، قم: دار الحدیث.
- ابن عبد الوهاب، حسین (بی تا). عیون المعجزات، قم: مکتبه الداوری.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تعلیق: هاشم رسولی، تبریز: بنی هاشمی.
- اصفهانى، محمدتقی (۱۳۸۷). مکمال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم علیه السلام، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، قم: مسجد مقدس جمکران.
- بهاءالدين نیلی، علی بن عبد الکریم (۱۴۲۰). منتخب الأنوار المضیئة فی ذکر القائم الحجة علیه السلام، تحقیق: مؤسسة الامام الهادی علیه السلام، قم: مؤسسة الامام الهادی علیه السلام.
- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱). مختصر البصائر، تحقیق: مشتاق مظفر، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱). رجال العلامة الحلی، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: دار الذخائر.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹). الهدایة الكبرى، بیروت: البلاغ.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم: دفتر آیه الله العظمی الخوئی.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲). إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی.
- صدر، محمد (۱۴۱۲). تاریخ الغيبة الصغری، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، تحقیق: محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی، هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). اعلام الوری بأعلام الهدی، مقدمه: حسن خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳). رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسة.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰). فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، تحقیق: عبد العزيز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.

کیفیت سلاح امام عصر علیه السلام در مقابلہ با سلاح دشمنان در ... / ۹۳

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). الغیبة للطوسی، تصحیح: عبداللہ تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.

عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). التفسیر (تفسیر العیاشی)، تحقیق: ہاشم رسولی، تهرآن: مکتبہ العلمیة الاسلامیة.

قطب الدین راوندی، سعید بن ہبہ اللہ (۱۴۰۹). الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه امام مہدی علیہ السلام.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). رجال الکشی، إختیار معرفة الرجال، تحقیق: محمد بن الحسن الطوسی، حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاہ مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهرآن: دار الکتب الاسلامیة.

کورانی، علی (۱۴۳۰). المعجم الموضوعی للاحادیث الامام المہدی علیہ السلام، بیروت: دار المرتضی.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: سید ہاشم رسولی محلاتی، تهرآن: دار الکتب الاسلامیة.

مجلسی، محمد باقر (بی تا). بحار الأنوار، تحقیق: عبد الزہراء علوی، محمدباقر محمودی، بی جا: دار إحياء التراث العربی.

محمدی، علی (۱۳۸۶). شرح منطق مظفر، قم: الامام الحسن بن علی علیہ السلام.

مظفر، محمدرضا (۱۴۱۳). المنطق، قم: فیروزآبادی.

مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). الارشاد فی معرفة حجج اللہ علی العباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیہم السلام لاحیاء التراث، قم: دار المفید.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشيخ المفید.

مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸). عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیہ السلام، قم: مسجد مقدس جمکران.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). الحكومة العالمية للامام المہدی علیہ السلام، قم: مدرسة الامام علی بن أبی طالب علیہ السلام.

میراحمدی، عبداللہ (۱۳۹۸). «روایات قیام به شمشیر امام زمان علیہ السلام در کشاکش خوانش حقیقی یا تأویلی بودن»،

در: پژوهش های مہدوی، س ۸، ش ۳۱، ص ۱۲۱-۱۴۲.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبة للنعمانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهرآن: مکتبہ الصدوق.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبداللہ (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت: دار صادر.

References

- The Holy Quran. 1995. Translated by Naser Makarem Shirazi, Qom: Office of History and Islamic Studies.
- Nahj al-Balaghah*. 1993. Researched by Sobhi Saleh, Qom: Hejrat. [in Arabic]
- Ayyashi, Mohammad ibn Masud. 2001. *Tafsir al-Ayyashi*, Researched by Hashem Rasuli, Tehran: Islamic Scientific Library. [in Arabic]
- Baha al-Din Nili, Ali ibn Abd al-Karim. 1999. *Montakhab al-Anwar al-Moziah fi Zekr al-Ghaem al-Hojjah (AS) (Anthology of Shining Lights in the Remembrance of al-Ghaem al-Hojjah (AS))*, Researched by al-Imam al-Hadi (AS) Institute. [in Arabic]
- Deylami, Hasan ibn Mohammad. 1991. *Ershad al-Gholub ela al-Sawab (Guidance of Hearts towards Rightness)*, Qom: Sharif Razi. [in Arabic]
- Erbeli, Ali ibn Isa. 2002. *Kashf al-Ghommah fi Marefah al-Aemmah (AS)*, Researched by Hashem Rasuli, Tabriz: Bani Hashemi. [in Arabic]
- Ghotb al-Din Rawandi, Sa'id ibn Abdollah. 1988. *Al-Kharaej wa al-Jaraeh*, Qom: Imam al-Mahdi Institute. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Soleyman ibn Mohammad. 2000. *Mokhtasar al-Basaer*, Researched by Moshtagh Mozaffar, Qom: Islamic Publishing Foundation. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1990. *Rejal al-Allamah al-Helli*, Researched by Mohammad Sadegh Bahr al-Olum, Najaf Ashraf: Heritage House. [in Arabic]
- Ibn Abd al-Wahhab, Hoseyn. n.d. *Oyun al-Mojezat (Miracle Springs)*, Qom: Al-Dawari Press. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hebatollah. 1984. *Sharh Nahj al-Balaghah le Ibn Abi al-Hadid (Explanation of Nahj al-Balaghah by Abi Al-Hadid)*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1980. *Kamal al-Din wa Tamam al-Nemah (Completion of Religion and Perfection of Grace)*, Edited & Annotated by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Ibn Sabbagh, Ali ibn Mohammad. 2001. *Al-Fosul al-Mohemmah fi Marefah al-Aemmah (Important Chapters in the Knowledge of the Imams)*, Researched by Sami Ghariri, Qom: Hadiths House. [in Arabic]
- Isfahani, Mohammad Taghi. 2008. *Mekyal al-Makarem dar Fawaed Doa baray*

- Hazrat Ghaem (AS)*, Translated by Mahdi Haeri Ghazwini, Qom: Holy Mosque of Jamkaran. [in Farsi]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 1988. *Rejal al-Kashi: Ekhtiyar Marefah al-Rejal*, Researched by Mohammad ibn al-Hasan al-Tusi, Hasan Mostafawi, Mashhad: Mashhad University Publishing Institute. [in Arabic]
- Khasibi, Hoseyn ibn Hamdan. 1998. *Al-Hedayah al-Kobra (Great Guidance)*, Beirut: al-Balagh. [in Arabic]
- Khoyi, Seyyed Abu al-Ghasem. 1988. *Mojam Rejal al-Hadith wa Tafsil Tabaghat al-Rowat*, Qom: Office of the Grand Ayatollah Khoyi. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Researched by Ali Akbar Ghaffari & Mohammad Akhundi, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- Kurani, Ali. 2009. *Al-Mojam al-Mozui le al-Ahadith al-Imam al-Mahdi (AS) (Thematic Dictionary for the Hadiths of Imam al-Mahdi (AS))*, Beirut: Al-Morteza House. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1984. *Merat al-Oghul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul (Mirror of Intellects in the Explanation of the Narrations of the Prophet's Family)*, Researched by Seyyed Hashem Rasuli Mahallati, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. n.d. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Edited by Abd al-Zahra Alawi, Mohammad Bagher Mahmudi, n.p: Arabic Heritage Revival House. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasr. 2005. *Al-Hokumah al-Alamiyyah le al-Imam al-Mahdi (AS) (The World Government of Imam Mahdi)*, Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb School. [in Arabic]
- Mir Ahmadi, Abdollah. 2019. "Rewayat Ghiyam be Shams Shir Imam Zaman (AS) dar Keshakesh Khanesh Haghghi ya Tawili Budan (Narrations of Uprising with the Sword of Imam al-Mahdi (AS) in the Struggle between True Reading or Interpretation)", in: *Mahdawi Researches*, yr. 8, p. 31, pp. 121-142. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1992. *Al-Ekhtesas*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Mahmud Moharrami Zarandi, Qom: The World Conference of the Sheikh al-Mofid. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1993. *Al-Ershad fi Marefah Hojajollah ala al-Ebad (Guidance to the Cognition of the Representatives of God to the People)*, Researched by Al al-Bayt (AS) Institute for the Revival Heritage, Qom: Mofid House. [in Arabic]

- Moghaddasi Shafei Solami, Yusof ibn Yahya. 2007. *Aghd al-Dorar fi Akhbar al-Montazar (AS)*, Qom: Holy Mosque of Jamkaran. [in Arabic]
- Mohammadi, Ali. 2007. *Sharh Mantegh Mozaffar (Explanation of Mozaffar Logic)*, Qom: Imam Hasan ibn Ali (AS).
- Mozaffar, Mohammad Reza. 1992. *Al-Mantegh (Logic)*, Qom: Firuzabadi. [in Arabic]
- Najjashi, Ahmad ibn Ali. 1946. *Rejal al-Najjashi*, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Nomani, Mohammad ibn Ibrahim. 2018. *Al-Ghaybah le al-Nomani*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Al-Sadugh Press. [in Arabic]
- Sadr, Mohammad. 1991. *Tarikh al-Gheybah al-Soghra (History of the Minor Occultation)*, Beirut: Al-Taarof House for Publications. [in Arabic]
- Saffar, Mohammad ibn Hasan. 1984. *Basaer al-Darajat fi Fazael Al Mohammad (S) (Insights Degrees in the Virtues of the Family of Mohammad)*, Researched by Mohsen ibn Abbas Ali Kucheh Baghi, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1993. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Statements on the Interpretation of the Quran)*, Edited by Fazlollah Yazdi Tabatabayi, Hashem Rasuli, Tehran: Naser Khosro. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 2011. *Elam al-Wara be Alam al-Hoda*, Foreworded by Hasan Khersan, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 1994. *Rejal al-Tusi*, Researched Jawad Ghayyumi Isfahani, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 1999. *Fehrest Kotob al-Shiah wa Osulehem wa Asma al-Musannefin wa Ashab al-Osul (List of Shiite Books and Their Sources and the Names of the Authors and the Compilers of the Sources)*, Edited by Abd al-Aziz Tabatabayi, Qom: Researcher Tabatabayi Library. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 2004. *Al-Ghaybah (The Occultation)*, Researched by Ebadollah Tehrani & Ali Ahmad Naseh, Qom: Islamic Teachings Foundation. [in Arabic]
- Yaghut Hemawi, Yaghut. 1995. *Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries)*, Beirut: Sader Institute. [in Arabic]